

احصاء راهبردهای توسعه فرهنگی پلیس در تحقق نظم ارگانیک (نظم

پویا)

(مطالعه تحقق پیشگیری از بزه کاری و بزه دیدگی با نگاه نظری به رویکرد مردم‌گرا در توسعه نوین و نظریه پلیس

جامعه‌محور)

علی کریمی خوزانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۰۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۰/۰۳

چکیده

همان‌طور که در این تحقیق بیان می‌شود، از نتایج نظریه پلیس جامعه‌محور و رویکرد توسعه مردم‌گرا در تفکر توسعه نوین، مشارکت مردم و توانمندسازی آنها به‌عنوان عامل تحقق نظم ارگانیک (نظم پویا) است. به این مفهوم که جامعه با توانمند شدن قادر است نظم ارگانیک را در قالب خودسازماندگی اجتماعی و در قالب هدایت و رهبری نهادهای مسؤول به پیش ببرد. در این تحقیق آنچه از دل نظم ارگانیک مدنظر است مبحث پیشگیری از بزه کاری و بزه دیدگی است. این تحقیق با شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای و با روش توصیفی و استنتاجی به دنبال تعیین و تبیین اهداف و برنامه‌های استراتژیک برای پلیس در جهت توسعه فرهنگی جامعه در تحقق امنیت اجتماعی خودسازمانده (نظم ارگانیک) در پیشگیری از بزه کاری و بزه دیدگی است. چهار راهبرد احصاء شده در این تحقیق که به‌عنوان نتیجه کار مورد بررسی قرار گرفته است عبارتند از: راهبرد «اطلاع‌رسانی آموزه‌های دینی» و راهبرد «اطلاع‌رسانی قواعد اجتماعی و مهارت‌های زندگی» به‌عنوان راهبردهای توسعه فرهنگی برای جلوگیری از بزه کاری افراد؛ راهبرد «اطلاع‌رسانی توصیه‌ها و هشدارهای پلیسی» و راهبرد «اطلاع‌رسانی طرح‌ها و خدمات انتظامی» به‌عنوان راهبردهای توسعه فرهنگی برای جلوگیری از بزه دیدگی افراد.

واژگان کلیدی: توسعه فرهنگی، پلیس جامعه‌محور، نظم ارگانیک، بزه کاری، بزه دیدگی، توسعه

نوین

^۱ عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا (مرئی پایه ۱۰) و دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران alikaarimikhozani@gmail.com (نویسنده و مسؤول)

مقدمه

از مهم‌ترین وظایف پلیس، پیشگیری از وقوع جرم و جلوگیری از شکل‌گیری بی‌نظمی است و پس از آن، برخورد با جرایمی است که نظم و انضباط جامعه را بر هم می‌ریزند (بیگی، ۱۳۹۰: ۴۶). این وظیفه در قانون نیروی انتظامی نیز تصریح شده است. قابل ذکر است که اساس و پایه پیشگیری پایدار و مستمر، مبحث انضباط اجتماعی در قالب مفهوم خودانضباطی است؛ انضباطی که نه با اجبار قانون و دستور پلیس بلکه به صورت خودکار توسط افراد جامعه ایجاد شود. انضباط در اصطلاح به معنای درونی ساختن هنجارها یا شیوه‌های عمل است که در نتیجه آن، شخص منضبط به‌طور خود انگیزه آن هنجارها و شیوه‌ها را رعایت می‌کند (صفایی و واشقانی فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۳۳)؛ انضباط اجتماعی نیز به معنی کنترل و هدایت رفتار فرد از جانب گروه و جامعه در جهت نظم و سامان‌یابی جامعه است که برای تداوم زندگی اجتماعی ضروری می‌نماید (شایگان، ۱۳۹۰: ۵۵). در این مفهوم اگرچه مطالبه تحقق نظم و انضباط خواسته تک‌تک افراد جامعه بوده و آن را از حکومت مطالبه می‌کند ولی تفاوت در این است که هر عضو جامعه در ابتدا و در کنار مطالبه از دولت، با نگاه به درون، خودانضباطی را در رفتار و معیارهای زندگی خود و اطرافیانش پیاده‌سازی می‌نماید. این گونه نظم را می‌توان نظم ارگانیک یا نظم پویا دانست که در مقابل نظم مکانیکی یعنی نظم حاصل از دستور پلیس و اجبار قانون قرار می‌گیرد. در نظریه پلیس جامعه‌محور هم مشارکت مردم در امور نظم و امنیت نیز حرکت به سمت شکل‌گیری نظم ارگانیک است.

یکی از راه‌های تحقق خودانضباطی، توسعه فرهنگی اجتماع است که امنیت اجتماعی پایدار را موجب می‌گردد. به همین منظور، توسعه فرهنگی می‌تواند مورد توجه پلیس قرار گیرد. بر این اساس، هدف این تحقیق مشخص کردن محورهای راهبردی توسعه فرهنگی پلیس در تحقق نظم و انضباط اجتماعی به شیوه خودسازمانده (نظم ارگانیک) در امر پیشگیری از وقوع جرم است. ساختار این مقاله نیز به این شکل است که در ابتدا مفاهیم مرتبط با موضوع مقاله مرور می‌گردد، در ادامه برآیند مطالعه این مفاهیم در طراحی الگوی مفهومی تحقیق مورد استفاده قرار گرفته و با مدنظر قرار دادن این الگو در قسمت بعد، راهبردهای توسعه فرهنگی پلیس در تحقق نظم ارگانیک در قالب رویکرد پلیس فرهنگ محور احصاء و تشریح گردیده است. در این قسمت، مفاهیمی چون نظم ارگانیک، پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی، توسعه فرهنگی، رویکرد توسعه مردم‌گرا در تفکر توسعه نوین (پساتوسعه‌ای) و در نهایت مفهوم پلیس جامعه‌محور به‌عنوان مفاهیم اولیه و کلیدی برای تهیه الگوی تحقیق مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

همانطور که در مقدمه بیان شد، نظم ارگانیک در مقابل نظم مکانیکی یعنی نظم حاصل از دستور پلیس و اجبار قانون قرار می‌گیرد. انضباط و امنیت حاصل از مفهوم نظم ارگانیک در قالب مفهوم خودانضباطی است؛ انضباطی که نه با اجبار قانون و دستور پلیس بلکه به صورت خودکار توسط افراد جامعه ایجاد شود. در این مفهوم، اگرچه مطالبه تحقق نظم و انضباط خواسته تک‌تک افراد جامعه بوده و آن را از حکومت مطالبه می‌کند ولی تفاوت در این است که هر عضو جامعه در ابتدا و در کنار مطالبه از دولت، با نگاه به درون، خودانضباطی را در رفتار و معیارهای زندگی خود و اطرافیانش

پیاپیاده‌سازی می‌نماید^۲. واژه پیشگیری در مفهوم متداول آن در معانی پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن و هم‌چنین آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن است. در جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری در معنی اول آن مورد استفاده واقع می‌شود، یعنی با کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزه‌کاری و بزه‌دیدگی، به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزه‌کاری است (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۳۴). محمد نسل (۱۳۸۷) به نقل از گسن، چهار معیار برای تشخیص اقدامات پیشگیری در نظر گرفته است که عبارتند از: اقدامی پیشگیرانه تلقی می‌شود که هدف اصلی آن اقدامی پیش‌دستانه علیه عوامل یا فرآیندهایی است که در بروز بزه‌کاری و انحراف، نقش تعیین‌کننده دارد؛ اقدام‌های پیشگیرانه، جمعی هستند؛ یعنی مخاطب آنها کل جامعه یا بخش و گروه معینی از جامعه هستند؛ اقدام‌هایی پیشگیرانه خوانده می‌شوند که قبل از ارتکاب اعمال بزه‌کارانه یا کجراوانه اعمال شوند و نه بعد از ارتکاب آنها؛ اقداماتی پیشگیرانه تلقی می‌شوند که قهرآمیز و سرکوبگر نباشند. در نتیجه، بر اساس مطالب فوق می‌توان گفت: پیشگیری مجموع تدابیر سیاست جنایی (جز تدابیر نظام کیفری) است که نتیجه آنها کاهش امکان وقوع انحراف و بزه‌کاری از طریق غیرممکن کردن دشوار کردن یا کاهش احتمال وقوع است. دسته‌بندی‌های مختلفی در خصوص انواع پیشگیری انجام شده است ولی رایج‌ترین آنها (به نقل از محمد نسل، ۱۳۸۷) عبارتند از: پیشگیری

^۲. مطالب این قسمت در تعریف مفهوم نظم ارگانیکی برگرفته از تقریرات شخصی است که از کلاس درس دکتر سیدرضا صالحی امیری حاصل شده است.

اجتماعی^۳ و پیشگیری وضعی^۴. هم‌چنین برحسب نگاه فرهنگی و با هدف پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزه‌کاری می‌توان سه نوع تقسیم‌بندی را برای پیشگیری از وقوع جرم در نظر گرفت:

پیشگیری اجتماعی: در پیشگیری اجتماعی به دنبال هماهنگ‌سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی هستیم. محور اقدامات در پیشگیری اجتماعی فرد است. در این پیشگیری از طریق آموزش، تربیت و... درصدد هستیم تا معیار شناخت اعمال خوب و بد را به افراد القاء کرده و قدرت ارزیابی و ارزشیابی عملکرد خویش را به او بدهیم (عبدی و شرافتی‌پور، ۱۳۸۵ و ۸۶: ۱۸۷).
پیشگیری اجتماعی به دنبال بهبود توانایی مردم برای زندگی در محیط امن و مشارکت کامل در حیات اجتماعی است (صوفی زمرد و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۲).
پیشگیری وضعی: برخی از جرم‌شناسان، پیشگیری وضعی از جرم را علت‌شناسی جرم در خارج از شخصیت مجرم دانسته و معتقدند که پیشگیری وضعی عبارت از اقدامات غیرکیفری است که معادله جرم را به هم می‌زند و هزینه انجام بزه را بالا می‌برد، به نحوی که بزه‌کار بالقوه از ارتکاب جرم صرف‌نظر کند. به بیان دیگر، در پیشگیری وضعی هدف شناخت این واقعیت است که در خارج از بزه‌کاران و محیط‌های مجرمانه، چه موقعیت‌ها و وضعیت‌هایی وجود دارند که در ذهن آنان وسوسه ارتکاب جرم را به وجود می‌آورد تا با شناسایی آنها به پیشگیری از وقوع جرم بپردازیم (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۶۳). یکی از این موارد دانش و آگاهی‌های بزه‌دیده احتمالی در خصوص روش‌های بزه‌کاران است تا با انجام اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه

1. Social Crime Prevention

2. Situational Crime Prevention

مانع از تحقق نیت مجرمانه بزه‌کار شوند. پیشگیری اخلاق‌مدار و یا پیشگیری مبتنی بر تحقق آموزه‌های دینی (نوروزی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۹-۴۸). با افزایش انتقادات به مفروضات فلسفی، فرهنگی، اجتماعی مدرنیسم که پایه الگوهای توسعه به مفهوم مدرن آن بود، در توصیف شرایط حاضر از مفاهیمی نظیر پایان توسعه، ضدتوسعه یا رویکرد گفتمانی توسعه نوین (پساتوسعه) در رد مفروضات نظریه توسعه و نوسازی استفاده می‌شود. بر همین اساس الگوها و مبانی توسعه بر اساس مدرنیسم نیز به باد انتقاد گرفته شد. توسعه نوین مبتنی بر جلوه‌هایی از پست مدرنیسم، مدرنیسم انتقادی، توسعه بدیل، توسعه دیگر و توسعه پایدار است. اندیشه پساتوسعه در دهه ۸۰ و بعد از مطرح شدن انتقادات مختلف در برابر نظریه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای به وجود آمد. به موازات بحث در این باره که چگونه می‌توان به توسعه دست یافت، از دهه ۱۹۸۰، مفهوم توسعه نوین (پساتوسعه) مطرح شد. اندیشه انتقادی پساتوسعه به‌عنوان یک گفتمان، نظریه توسعه مدرنیستی را به‌عنوان یک تئوری آکادمیک با کارویژه‌های پنهان سیاسی و اقتصادی نقد می‌کرد. در واقع، مفهوم و تعریف مکتب پساتوسعه بر اساس انتقادات و ضدیت آن با گفتمان توسعه مدرنیستی شکل می‌گیرد و انتقاد و ضدیت با توسعه مدرنیستی دال مرکزی اندیشمندان مکتب پساتوسعه است (احمدی و بیداله‌خانی، ۱۳۹۲: ۴۸).

مبانی تفاوت مفهوم توسعه و توسعه نوین (پساتوسعه)

توسعه نوین (پساتوسعه)	توسعه	مبانی تفاوت
بر پایه تغییر در فرهنگ و انسانی کردن توسعه	بر پایه تولید و تغییر در طبیعت	تعریف

توسعه انسانی	توسعه اشیا	شکل غالب
فراکمیابی	کمیابی	منطق و الگو
فرامادی و جمعی	مادی و فردی	ارزش‌ها و روابط
غیرمدرن، غیرغربی، درون‌زا	مدرن برون‌زا و غربی	الگوها
فرهنگی و مدنی	فنی	نظم و عقلانیت
زنان، جوانان، افراد بومی	کارفرمایان، کارگران، مردان	کارگزاران تغییر
از پایین به بالا	از بالا به پایین	تحول
مردم عادی	طبقات	منابع تغییر توسعه‌ای
فرهنگی و انسانی کردن توسعه	اقتصاد و رشد به مثابه همه چیز	دال مرکزی
سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی	دولتها و شرکتهای سرمایه‌ای چندملیتی در عصر نئولیبرالی	متولی توسعه

در رویکرد توسعه مردم‌گرا^۹ که بر اساس مبانی تفکر توسعه نوین (پساتوسعه‌ای) بنیان نهاده شده است، اصلاحات اساسی در مبانی توسعه جامعه لازم است تا ضمن توانمندسازی پایه‌های اساسی توسعه مردمی در جامعه، جهت توسعه نیز از رویکرد یک طرفه بالا به پایین در گفتمان توسعه به رویکرد دوطرفه و متقابل پایین به بالا و بالا به پایین تغییر کند. بر همین اساس، وجه مشترک همه نظریه‌پردازان توسعه نوین (پساتوسعه) برای همه‌گیر

شدن توسعه مردمی، پنج متغیر اساسی برای توسعه است تا بر این اساس توسعه مردمی فراگیر شود. این پنج اصل که مبانی اصلی توسعه مردمی را تشکیل می‌دهند، عبارتند از: نیازهای اساسی که بر مبنای نیاز مردم و نه دولت انتخاب شده، تمرکززدایی که بر اساس گفتمان مردمی و مدل توسعه بومی و انتقال وظایف از دولت به مردم بیان شده، تأکید و اهمیت نقش سازمانهای غیردولتی، مشارکت و توانمندسازی مردمی و اهمیت نقش جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی هستند که اساسی ترین پایه‌های توسعه مردمی را تشکیل می‌دهند (احمدی و بیداله خانی، ۱۳۹۲: ۵۲).

با توسعه صنعت و شهرنشینی که موجب رشد روزافزون جرم و بزه‌کاری در کشورهای صنعتی جهان به ویژه آمریکا، انگلستان و برخی کشورهای اروپایی مانند فرانسه شده است، زمینه پیدایش رویکردهای جدید تربیتی را در امور پلیسی فراهم آورد. پلیس دریافت که با اشکال جدید تبهکاری و جرم و جنایت که حاصل مدرنیته و پیشرفت است، نمی‌توان به شیوه‌های قدیمی و سنتی مبارزه کرد؛ پس نیاز به تغییراتی در شیوه‌های مبارزه و استفاده از مشارکت عمومی و کمک‌های مردمی در پیشگیری از جرم در دهه هفتاد مورد تأکید جدی قرار گرفت (باباییان و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶). این رویکرد جدید که بر استفاده از مشارکت مردم با پلیس استوار بود راهبرد جدیدی را در مأموریت‌های پلیس تعیین نمود که از نظر دیوید بیلی (ترجمه زندگی، ۱۳۷۹)، نظریه پرداز امور پلیسی تطبیقی، بر این سه اصل استوار است: پلیس بدون همکاری اجتماع و جامعه نمی‌تواند از جرم پیشگیری کند؛ پلیس نباید فقط به مقابله با جرم بسنده کند؛ گشت‌زنی به تنهایی برای پلیس بسیار انفعالی است.

اسکوگن و هارتنت نیز پلیس جامعه‌محور را دارای این ویژگی‌ها می‌دانند: تمرکززدایی از اقتدار و راهبرد نگرهبانی گشت‌زنی به منظور تقویت روابط پلیس و شهروندان؛ تعهد به برقراری نظم با رویکرد مسأله‌محور؛ فراهم آوردن فرصت لازم برای مشارکت عموم مردم در تعیین اولویت‌های کاری پلیس و ایجاد تاکتیک‌ها؛ توانمندسازی اجتماع به منظور کمک به رفع و حل مشکلات جرم و بی‌نظمی از طریق حمایت از برنامه‌های پیشگیری از جرم. در رویکرد جامعه‌محوری به منظور پیشگیری از وقوع جرم، ضرورت جلب مشارکت مردمی و توجه به تشکلهای مردمی به‌عنوان یک استراتژی غالب درآمده و بر این پیش‌فرض استوار است که شهروندان، انسان‌های توانا، بالغ و به لحاظ علمی قابل اتکا هستند؛ در نتیجه، می‌توان (و باید) بسیاری از مسائل اجتماعی را با مشارکت و همدلی آنها حل کرد (علی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۸۰).

پلیس جامعه‌محور مستلزم تغییر در نگاه به جامعه جدید و کارکردهای پلیس است؛ در رویکرد پلیس سنتی، برخورد آمرانه با مردم، سلسله‌مراتب نظامی و الگوی غیرمشارکتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، در حالی که در مأموریت‌های پلیس جامعه‌محور؛ وفاداری به شهروندان، انسجام اجتماعی، توانمندسازی افراد جامعه، انتظام جمعی و مشارکت اجتماعی مدنظر است و قدرت پلیس از تأیید عمومی شهروندان و رعایت هنجارهای اجتماعی و فرهنگی که جایگزین مقررات سنتی و دست و پا گیر می‌شود، به دست می‌آید و بر این اساس پیش‌داوری‌ها، جانبداری‌ها و کلیشه‌های ذهنی پلیس تبدیل به تعاملات، مشارکت‌های مردمی و همراهی و همدلی‌های مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های دینی و اجتماعی می‌شود (هزارجریبی، ۱۳۸۸: ۱۸۰).

توسعه فرهنگی

تعاریف مختلفی از توسعه فرهنگی صورت گرفته است. برای نمونه، می‌توان به این تعاریف اشاره کرد: فرآیند ارتقاء و اعتلای شئون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب را توسعه فرهنگی می‌نامند (صباغ‌پور، ۱۳۸۵: ۴۲)؛ توسعه فرهنگی افزایش قدرت و کارآمدی یک فرهنگ در پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی، معنوی و مادی انسان‌ها است (صالحی‌امیری، ۱۳۹۲: ۷۵)؛ توسعه فرهنگی تحول و خلق ارزش‌ها، روابط اخلاقی و هنجاری مناسب که برای ارضای نیازهای آدمی، زمینه‌های لازم را در قالب اجتماع فراهم می‌کند (رایجان اصلی و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۴۹)؛ از منظر یونسکو، توسعه فرهنگی فرآیندی است که طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، قابلیت‌ها، باورها و شخصیت ویژه‌ای در آنها به وجود می‌آید (یونسکو، ترجمه فاضلی و فاضلی، ۱۳۷۶).

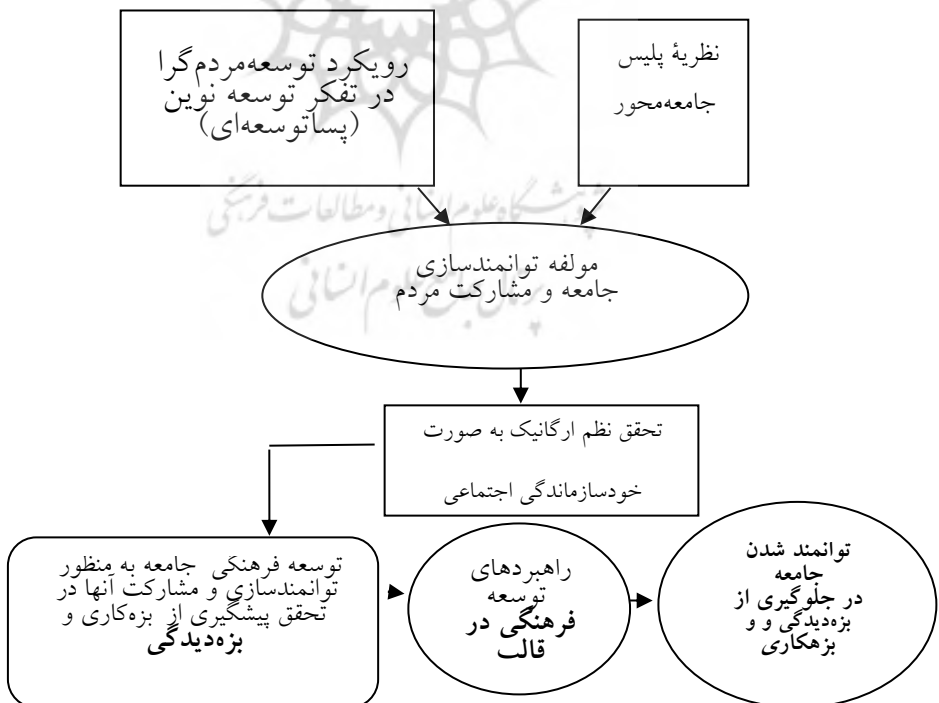
اما آنچه از توسعه فرهنگی با یاری از نظریه پلیس جامعه‌محور، رویکرد توسعه مردم‌نگر در تفکر توسعه نوین (پسا توسعه‌ای) و نیز نظریه پیشگیری اجتماعی و وضعی مدنظر می‌باشد، توانمندسازی اجتماع برای این منظور است که مردم بتوانند از بزه‌دیدگی خود جلوگیری کرده و نیز به سمت و سوی بزه‌کاری نیز نروند.

برآیند نظریات و تدوین الگوی مفهومی تحقیق

همان‌طور که در شکل زیر نشان داده می‌شود، از برآیند نظریه پلیس جامعه‌محور و رویکرد توسعه مردم‌نگر در تفکر توسعه نوین، مشارکت مردم و توانمندسازی آنها به‌عنوان عامل تحقق نظم ارگانیک محسوب شود. به این مفهوم که جامعه با توانمند شدن قادر است که نظم ارگانیک را در

قالب خودسازماندگی اجتماعی و در قالب هدایت و رهبری نهادهای مسئول به پیش برود.

آنچه در این تحقیق از بطن نظم ارگانیک مدنظر بود، مبحث پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی است. به همین منظور، در توسعه فرهنگی به منظور تحقق پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی، راهبردهای برای توانمندسازی جامعه و به تبع آن، مشارکت مردم در نظر گرفته می‌شود که این راهبردها در قالب مفهوم آموزش و اطلاع‌رسانی انتظامی قابل بیان است. با آموزش و اطلاع‌رسانی انتظامی انتظار می‌رود که جامعه در امر بزه‌کاری و بزه‌دیدگی توانمند شده و به نوعی مشارکت غیرمستقیم جامعه را در تحقق نظم و امنیت به صورت خودسازماندگی اجتماعی فراهم شود.



احصاء راهبردهای توسعه فرهنگی پلیس در تحقق نظم ارگانیک (راهبردهای آموزش و اطلاع‌رسانی در پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی)

به منظور احصاء راهبردهای آموزش و اطلاع‌رسانی در پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی لازم است در ابتدا عوامل و زمینه‌های ارتکاب جرم به منظور شناسایی موضوعات اطلاع‌رسانی و هم‌چنین توجه به رفع آن‌ها در اطلاع‌رسانی‌ها احصاء شود.

گاهی اوقات، انسان از نظر اجتماعی، اقتصادی و یا روانی در چنان وضعیت غیرعادی و نامتعادلی قرار می‌گیرد که آگاهانه و یا ناآگاهانه دست به ارتکاب جرم می‌زند؛ عوامل مختلفی در به‌وجود آوردن این وضعیت دخیل هستند که برخی از آن‌ها را باید در ناتوانی‌های خود فرد جستجو نمود؛ فقدان آگاهی نسبت به قواعد اجتماعی، آموزه‌های دینی و یا فراموش نمودن آن‌ها، عدم دارا بودن مهارت‌های زندگی و به تبع آن، عدم توانایی در حل مشکلات روزمره، از عواملی است که افراد را به مجرمان بالقوه تبدیل می‌کند.

به فعلیت در آوردن اراده مجرمانه نیز در افراد زمانی ایجاد می‌شود که ضمن دستیابی به روش‌ها و ابزار ارتکاب جرم، بتوانند به توجیه اخلاقی و منطقی عمل مجرمانه خود اقدام نمایند؛ براساس رهیافت تصمیم‌گیری منطقی، مجرمان برای جلوگیری از احساس شرم و گناه به توجیه منطقی و اخلاقی عمل خود اقدام می‌نمایند (کلارک، ۱۹۹۷: ۱۷). از سوی دیگر، مجرم جهت تحقق عمل مجرمانه به دنبال تحقق شرایط وضعی ارتکاب جرم

می‌گردد که با کمی جرح و تعدیل، عوامل آن‌را بر اساس نظریه فرصت جرم (محمد نسل، ۱۳۸۶: ۲۹۶) می‌توان بدین شرح بر شمرد: آماج مناسب؛ شخص، مال و مکانی که به دلیل ویژگی‌های خاص خود به آماج بالقوه جرم تبدیل می‌شود و فقدان محافظ کارآمد؛ منظور از محافظ، هر شخص یا حیوان یا شیء است که حضور مؤثر آن موجب بازدارندگی از جرم می‌شود. از طرف دیگر بزه‌دیده در زمان وقوع جرایم کم‌اهمیت یا به اصطلاح خرد، به دلیل عدم آگاهی از فرآیند شکایت و یا پیگیری احقاق حق، از شکایت خود صرف‌نظر می‌نماید، این امر موجبات تحریک مجرم به انجام جرایم بزرگتر می‌شود.

پلیس با توجه به مطالب مطروحه، جهت کاهش جرم و جنایت، یا به عبارتی تحقق امنیت پایدار، چهار موضوع را می‌تواند محور اقدامات راهبردی خود قرار دهد که عبارتند از: «جلوگیری از شکل‌گیری مجرم با اطلاع‌رسانی قواعد اجتماعی و آموزش مهارت‌های زندگی به افراد»؛ «جلوگیری از راضی شدن وجدان مجرم به ارتکاب جرم با اطلاع‌رسانی آموزه‌های دینی»؛ «اطلاع‌رسانی توصیه‌ها و هشدارهای پلیسی به بزه‌دیدگان بالقوه به منظور تقلیل زمینه‌های وضعی وقوع جرم»؛ «اطلاع‌رسانی طرح‌ها و خدمات انتظامی به مردم جهت آشنایی آن‌ها به وظیفه و کار پلیس و افزایش احتمال مراجعه بزه‌دیدگان جرایم خرد جهت ارائه شکایت».

محور اول راهبردی: اطلاع‌رسانی قواعد اجتماعی و آموزش مهارت‌های زندگی

تحولات سریع به واسطه بسط و گسترش فناوری اطلاعات از یک سو و دخالت عوامل جمعیتی هم چون مهاجرت، جوانی جمعیت و بسط و گسترش شهرنشینی در سایه اشاعه فرهنگی در سطح بین‌المللی، شرایطی را

برای زندگی اجتماعی فراهم آورده که انطباق با آن شرایط، همواره موجب اختلالاتی بوده که به نوبه خود، در افزایش آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها و به تبع آن ارتکاب جرائم نقش دارند. از این‌رو، رویکرد و گرایش به آموزش و بسط و توسعه مهارت‌های زندگی (معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۳: ۱۸) به‌عنوان عامل پیشگیری از بزه‌کاری افراد، می‌تواند مورد توجه پلیس قرار گیرد.

به همین جهت، امروزه از پلیس اجتماعی سخن به میان می‌آید و در این راستا، پلیس جهت‌گیری فعالیت‌های خود را تغییر داده و بعضاً به بررسی نقش بیکاری، تعارض فرهنگ‌ها و نقش شکست تحصیلی می‌پردازد. امروزه به دلیل پیچیده شدن فرآیند هم‌نواسازی و جامعه‌پذیری، همراه با بحران نهادهای جامعه‌پذیر (مانند مدرسه، خانواده... .) در یک چشم‌انداز پیشگیرانه، گرایش به بازگشت به سوی نهادهای پلیسی جهت رفع این مشکل و برعهده گرفتن برخی از جنبه‌های این کارکرد است. به‌عنوان مثال مداخله پلیس در فعالیت‌های تربیتی، آموزشی و خدمات اجتماعی. بنابراین، نهادهای پلیسی کم و بیش خود را در نقش جایگزین، جهت رفع ناتوانی و ضعف سازوکارهای اجتماعی متعهد می‌بینند. از طرفی، این وضعیت موجب تنوع انتظارات اجتماعی از نهادهای پلیسی شده است. (رجبی‌پور، ۱۳۸۸)

بدین منظور، یکی از خدمات مشاوره‌ای مراکز مشاوره ناجا و همچنین دایره اجتماعی، مددکاری و مشاوره کلانتری‌ها، ارائه مشاوره‌های اجتماعی و یا روانی به افراد مراجعه‌کننده، به قصد آموزش آن‌ها در خصوص مهارت‌های زندگی می‌باشد. هم‌چنین، در سطح گسترده‌تر و فراتر از توجه صرف به مراجعه‌کنندگان، با گسترده نمودن دایره مخاطبین خود، پس از شناسایی وضعیت و شرایط فرهنگی، اجتماعی حوزه استحفاظی و کسب

آگاهی از نیازمندی‌های مهارتی مورد نیاز برای شرایط مذکور، با انتخاب ابزارهای مختلف آموزشی مانند سخنرانی و یا چاپ بروشور، به دنبال ارتقای مهارت‌های زندگی افراد می‌باشند.

این گونه آموزش‌ها، برای افزایش تأثیرگذاری، اطلاع‌رسانی قواعد اجتماعی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد، این نوع اطلاع‌رسانی بر پایه پیشگیری اجتماعی، با قرار دادن محور اقدامات بر روی افراد جامعه، به دنبال هماهنگ سازی آن‌ها با قواعد اجتماعی است. (عبدی و شرافتی پور، ۸۶ و ۱۳۸۵: ۱۸۷) قواعدی که مبتنی بر جلوه‌های زندگی در شرایط موجود، شامل قوانین رسمی و هم‌چنین هنجارها و معیارهای غیررسمی، از عوامل پیشگیری از شکل‌گیری اراده مجرمانه در افراد است.

برای نمونه اختلافات و مشکلات ساکنین آپارتمان‌ها به دلیل عدم آشنایی آن‌ها به فرهنگ آپارتمان‌نشینی، موجبات سلب آسایش و آرامش ساکنین آپارتمان را فراهم آورده که می‌تواند موجب ازدیاد عصبانیت و جرایم خشونت‌آمیز شود. بدین منظور ایجاب می‌کند، آموزش و اطلاع‌رسانی قواعد زندگی جمعی در محیط آپارتمان‌ها مورد توجه قرار گیرد (بیات و دیگران، ۱۳۸۷).

محور دوم راهبردی: اطلاع‌رسانی آموزه‌های دینی

کلارک (۱۹۹۷) توجیه اخلاقی عمل خلاف توسط مجرمان را عنصر چهارم در تصمیم‌گیری منطقی آن‌ها در ارتکاب به جرم می‌داند. به عبارت دیگر، مجرم برای این که احساس شرم و گناه نکند، با توجیه اخلاقی و منطقی عمل خلاف، به دنبال راضی نمودن وجدان خود می‌باشد.

در این جا باید بین تصمیم گرفتن فرد برای بزه‌کاری^۶ با تصمیم‌گیری حادثه‌ای^۷ که فرد بر اساس موقعیت و شرایط آنی به جرم مبادرت می‌ورزد، تفاوت قائل شد. تصمیم‌گیری نوع اول، یک فرآیند چند مرحله‌ای است (همان منبع)؛ یکی از مراحل مهم آن، پس از تحریک شدن و تصمیم گرفتن به ارتکاب عمل مجرمانه و فراگیری روش اجرا و تهیه ابزار، توجیه نمودن اخلاقی و منطقی عمل مجرمانه است؛ با این کار مجرم، وجدان خود را به منظور دوری از احساس شرم راضی می‌نماید.

حس شرم، احساس اخلاقی است که در تعامل فرد و جامعه بروز می‌کند و فرد به‌عنوان موجودی اجتماعی با آن مواجه می‌شود؛ تحقق این حس، محصول سنجش و ارزیابی رفتار خویش با مجموعه ارزش‌ها و هنجارهایی است که فرد را احاطه کرده اند. چنین نظام اخلاقی متشکل از مجموعه ارزش‌های خوب و بد است که فرد به آن‌ها ایمان دارد. بنابراین، شخص زمانی شرمسار می‌گردد که در یک ارزیابی درونی بر مبنای شاخص‌های اخلاقی، رفتار خود را مورد تأیید تلقی نمی‌کند. در این ارزیابی خود شخص نقش اصلی را ایفا می‌کند. البته، بدیهی است که شخص، بخش اعظمی از معیارهای مقبول خود را از جامعه و نظام اخلاقی آن وام می‌گیرد، اما در تحقق حس شرم، این جامعه نیست که به واسطه طرد یا دفع یک رفتار، نقش اصلی را ایفا می‌کند، بلکه خود فرد است که با وقوف به چنین وضعیتی به داوری در رابطه با خویش پرداخته، به طرد یا قبول رفتار خویش اقدام می‌کند (غلامی، ۱۳۸۸).

1. Involvement Decision

2. Event Decision

پلیس در این نوع از پیشگیری با تکیه بر مجرم و بدون نیاز به شناسایی آنها، با اطلاع‌رسانی آموزه‌های دینی و اخلاقی در سطح جامعه، مانند مشارکت فعال در تهیه فیلم‌های سینمایی و یا سریال‌های تلویزیونی و ... ، به دنبال تأثیرگذاری بر مجرمان و منصرف نمودن آنها از طریق متزلزل نمودن توجیحات به ظاهر منطقی و یا حتی اخلاقی افراد مجرم می‌باشد. در اطلاع‌رسانی آموزه‌های دینی با یادآوری نمودن و بازخوانی این گونه آموزه‌ها و به‌عنوان نهی از منکر، افراد با آثار و نتایج دنیوی و اخروی عمل مجرمانه آشنا شده، و بدین ترتیب با باقی نماندن هیچ عذر قابل توجیه، با کاهش جذابیت عمل مجرمانه، از ارتکاب جرم پیشگیری شود.

لذا پلیس می‌بایستی در این گونه اطلاع‌رسانی‌ها، با مطالعه در جرم‌های مختلف و بررسی دقیق توجیحات اخلاقی و منطقی افراد مجرم، با شناخت کامل و ایجاد یک چارچوب منسجم، به گردآوری آموزه‌های دینی و اطلاع‌رسانی آنها پردازد و بدین وسیله با متزلزل نمودن پایه‌های منطقی و اخلاقی این گونه توجیحات، با ایجاد حس شرم، مانع از شکل‌گیری اراده مجرمانه گردند.

محور سوم راهبردی: اطلاع‌رسانی توصیه‌ها و هشدارهای پلیسی

این نوع اطلاع‌رسانی به دنبال آگاهی دادن به مردم نسبت به جرایم و شیوه‌های اخاذی از سوی مجرمان، به دنبال تقلیل موقعیت‌های وقوع جرم می‌باشد. تحقیقات نشان داده است که بسیاری از جرایم ارتكابی به وسیله مجرمان، بر اثر ضعف سیستم ایمنی و یا سهل انگاری مردم و خانواده‌ها انجام می‌گیرد. مطالعات انجام شده توسط کن پیس و همکاران (به نقل از کلارک، ۱۹۹۷)

نشان می‌دهد که به‌طور مرتب برخی مردم و اهداف دچار بزه‌دیدگی می‌شوند؛ لذا آگاهی آن‌ها از اصول، فنون و روش‌هایی که موجب ایمنی خود و اموالشان در مقابل تهدیدهای مجرمان و فرصت‌طلبان می‌گردد، قدمی مؤثر و پیشگیرانه در جهت خنثی‌سازی اقدامات مجرمان است (رئیزی وانانی، ۱۳۸۳: ۲۲). این‌گونه اطلاع‌رسانی‌ها، با دو شیوه به‌دنبال تقلیل موقعیت‌ها می‌باشد: «اصلاح نوع تفکر و چگونگی برخورد و رفتار در موقعیت‌های مختلف توسط بزه‌دیدگان بالقوه، که با توجه به آن، مجرم از به فعل در آوردن اندیشه مجرمانه منصرف شود»؛ و «ارائه راهکار و پیشنهادات محیطی و فنی که با عمل به آن‌ها در آماج‌های جرم، امکان وقوع جرم به دلیل تغییرات محیطی و یا فنی مشکل‌تر می‌شود». اگر چه شیوه اول معمولاً در سطح فردی انجام می‌شود لیکن شیوه دوم یعنی اطلاع‌رسانی راه‌کارها و پیشنهادات محیطی و فنی توسط پلیس در سه سطح قابل انجام شدن می‌باشد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۲).

سطح فردی، یعنی آن‌چه که هر شخص حقیقی یا حقوقی باید با رعایت آن‌ها موقعیت ارتکاب جرم از سوی مجرمان را تقلیل دهد. برای نمونه در جرم سرقت لوازم خودرو با حذف آماج جرم، افراد می‌توانند برای نمونه با برداشتن ضبط خودرو خود و یا در جرم قاپیدن، با استفاده از کارت‌های اعتباری به جای پول نقد و حذف جاذبه مالی کیف‌ها، از امکان وقوع چنین جرایمی بر خود پیشگیری نمایند.

سطح جمعی، مثلاً آن‌چه که اهالی یک محله یا کسبه یک پاساژ ملزم به رعایت آن هستند. برای نمونه، در فروشگاه‌های زنجیره‌ای، برخلاف مغازه‌های کوچک، نظارت بسیار کم است. بنابراین وسوسه سرقت بیشتر

است. لذا در این فروشگاه‌ها لازم است تدابیری اتخاذ شود که کفه خطرات جرم را در مقابل منافع و عایدات حاصل از آن، برای مجرمین سنگین کند. به‌عنوان نمونه، می‌توان اقداماتی مانند نصب کلیدهای اعلام خطر، نصب درب‌های ورودی و خروجی برای کنترل لوازم خریداری شده با فاکتورها و یا نصب و تبلیغ تلویزیون مدار بسته اشاره کرد.

سطح ملی، یعنی آنچه بخش‌های دولتی و یا غیر دولتی مانند بانک‌ها و یا شهرداری‌ها باید در محدوده وظایف خود نسبت به آن اقدام کنند. برای نمونه نیروی انتظامی، تذکرات و توصیه‌هایی را در خصوص پیشگیری از سرقت، به اتحادیه درب و پنجره‌سازان منتقل کرده و آنان را به دگرگونی در ساخت درب و پنجره‌های سستی ترغیب کرده است که نتیجه آن، ساخت درب و پنجره‌های مشبک، تعبیه شب بند در پشت درب و پنجره‌ها برای نصب قفل بر روی آن‌ها و هم چنین تعبیه مغزی‌ها در ستون درب‌های آهنی است. این امر نهایتاً به کاهش قابل توجه سرقت از منزل در محله‌های استفاده‌کننده از این نوع درب‌ها، منجر شده است و یا معمولاً اقداماتی که باید توسط شهرداری‌ها انجام شود تا به حفاظت فیزیکی از آماج‌ها منجر شود را می‌توان برای نمونه شامل این موارد دانست: بهبود طراحی و ترتیب ایستگاه‌ها، مثلاً کسب اطمینان از این که هیچ نقطه‌ای وجود ندارد که مجرمان بالقوه بتوانند در آن منتظر فرصت مناسب ارتکاب جرم باشند؛ اطمینان از استانداردهای بالای روشنایی، پاکیزگی، نگهداری و وضعیت رسیدگی، شامل از بین بردن دیوار نوشته‌ها برای به حداقل رساندن تأثیر آن‌ها و یا روشن نمودن کوجه‌های تاریک و تسطیح مخروبه‌ها (میرخلیلی، ۱۳۸۸).

محور چهارم راهبردی: اطلاع‌رسانی طرح‌ها و خدمات انتظامی

منظور از اطلاع‌رسانی نحوه ارائه خدمات، ارائه امور مربوط به مستندات، روش انجام کار و...، از طریق کلیه وسایل عمومی، رسانه‌ها، موسسات، فنون و طرق مختلف تولید نشراطلاعات توسط دستگاه‌ها و مراکز اطلاعاتی است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴: ۱۳۲). با توجه به حیثه عملکرد پلیس که کلیت جامعه را در بر می‌گیرد، اطلاع‌رسانی طرح‌ها و خدمات انتظامی شامل مستند و مکتوب کردن خدمات و طرح‌های پلیسی و اطلاع‌رسانی آن به کلیت جامعه می‌باشد. اهداف این گونه اطلاع‌رسانی عبارتند از: افزایش رضایت‌مندی مردم؛ کاهش برخوردهای اجتماعی پلیس؛ افزایش همکاری و مشارکت مردم؛ پیشگیری از وقوع جرم.

پیشگیری از وقوع جرم به‌عنوان یکی از اهداف اطلاع‌رسانی طرح‌ها و خدمات انتظامی مطرح می‌باشد. توضیح این که در وقوع برخی از جرائم ضعف و یا ضعیف پنداری مجنی علیه در عدم پیگیری جرم نقش زیادی دارد. از عمده دلایل آن می‌توان چنین اشاره نمود که یا پیگیری برای جرم‌دیده از آن چنان ارزشی برخوردار نمی‌باشد که بخواهد وقت و مال خود را صرف آن بکند و یا این که احساس گرفتاری و تحمل مشقت رجوع به پاسگاه و کلافه شدن در راهروهای دادگستری و یا تحقیر شدن در آن محیط‌ها و سیر طولانی عدم حصول نتیجه، آنان را از پیگیری جرمی که بر آنها واقع شده باز می‌دارد. این عوامل برای مجرمین امنیت ارتکاب جرم را به ارمغان می‌آورد (سلیمانپور، ۱۳۸۴: ۱۳۱ و ۱۳۲) و در سایه امنیت ایجاد شده، آنها را به ارتکاب جرایم بزرگ‌تر تحریک می‌کند.

یکی از راه‌های تقلیل این وضعیت، اطلاع‌رسانی خدمات و طرح‌های انتظامی می‌باشد، با آگاه‌سازی مردم از چگونگی مراحل، مکان و زمان اجرای خدمات انتظامی و قوانین و مقررات مرتبط و...، مردم آموزش دیده و از نظر ذهنی توانمند می‌شوند. لذا با توانمندسازی در نتیجه آگاهی حاصل از اطلاع‌رسانی پلیس، مردم در هر جرمی حتی کوچک می‌دانند برای شکایت چه مرحله‌ای را در کلانتری و پاسگاه طی نمایند و در نتیجه مسیر را دشوار، پیچیده و غیر قابل پیش‌بینی تصور نمی‌کنند که از شکایت صرف‌نظر نمایند. این عامل کاهش جاذبه‌های جرم برای مجرمین به همراه داشته و نقش مؤثری در پیشگیری از وقوع جرایم بر عهده دارد (کریمی خوزانی، ۱۳۸۸: ۱۲).

دیگر این که در شرایط عدم اطلاع‌رسانی و یا اطلاع‌رسانی ناقص امکان تخلف کارکنان وجود دارد ولیکن برای نمونه با اطلاع‌رسانی مدارک و هزینه مورد نیاز برای دریافت خدمت و هم چنین مشخص شدن نوع و میزان جریمه پرداختی در طرح‌های انتظامی این احتمال به مراتب کاهش می‌یابد (همان منبع: ص ۱۳).

جمع‌بندی

همان‌طور که در برآیند نظریات و ارائه الگوی مفهومی تحقیق بیان شد، توانمندسازی جامعه و به تبع آن مشارکت مردم در تحقق نظم و انضباط اجتماعی، چشم‌انداز تحقق نظم ارگانیک است. نظم ارگانیک محصول خودسازماندگی جامعه در تحقق نظم و انضباط اجتماعی است. در این بین نهادهای مسئول می‌توانند راهبردهایی را برای تحقق این نظم مدنظر قرار دهند. این راهبردها نباید دستوری باشد بلکه باید به نوعی هدایت و راهبری

غیرمستقیم جامعه را با آموزش و اطلاع‌رسانی مدنظر قرار دهد. در این مطالعه که به صورت موردی مسأله پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی مدنظر بوده است. چهار راهبرد به منظور آموزش و اطلاع‌رسانی احصاء گردید.

راهبرد اطلاع‌رسانی آموزه‌های دینی با تقویت وجدان فردی و احساس شرم از ارتکاب به اعمال مجرمانه؛ و راهبرد اطلاع‌رسانی قواعد اجتماعی و مهارت‌های زندگی با ارتقای مهارت‌های زندگی افراد و تطبیق آنها با قواعد اجتماعی بر جلوگیری از بزه‌کاری افراد تأثیر دارد. هم‌چنین، راهبرد اطلاع‌رسانی توصیه‌ها و هشدارهای پلیسی با افزایش آگاهی مردم از شگردهای مجرمان موجب تقلیل موقعیت‌های جرم برای مجرم می‌شود که این امر به‌طور غیرمستقیم بر جلوگیری از بزه‌دیدگی افراد تأثیر دارد. دیگر اینکه راهبرد اطلاع‌رسانی طرح‌ها و خدمات انتظامی با آگاه کردن مردم از چگونگی پیگیری حقوق و انجام شکایات بر کاهش جذابیت‌های جرم برای مجرم تأثیر داشته که در نتیجه بر جلوگیری از بزه‌دیدگی افراد مؤثر است.

منابع

احمدی، حمید و آرش بیداله خانی (۱۳۹۲). پساتوسعه‌گرایی و بازنمایی‌های انتقادی از گفتمان توسعه، رویکردی مردمی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره سوم، صص ۴۷-۶۳.

بابایان، علی؛ ذبیح‌اله کرمی و سعید کفراشی (۱۳۹۱). نقش آموزش همگانی در پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، صص ۹-۳۴.

بیات، بهرام؛ جعفر شرافتی‌پور و نرگس عبدی (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.

- بیگی، محسن (۱۳۹۰). پلیس و انضباط اجتماعی، در: مجموعه مقالات همایش ملی امنیت و انضباط اجتماعی، صص ۳۷-۵۲، تهران: انتشارات زرد.
- بیلی، دیوید (۱۳۷۹). پلیس آینده، ترجمه غلامرضا زندی، تهران: معاونت آموزش ناجا.
- رایجیان اصلی، مهرداد و ولی اله صادقی (۱۳۹۲). پیشگیری مبتنی بر توسعه فرهنگی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، صص ۱۴۵-۱۶۸
- رجبی پور، ابراهیم (۱۳۸۸). پیشگیری انتظامی شهروند مدار، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم- پیشگیری انتظامی از جرم، تهران: معاونت آموزش ناجا.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۴). مصوبات برنامه اصلاح فرآیندها و روشهای انجام کار از هفت برنامه تحول در نظام اداری (جلد ۲-۶)، تهران: معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- سلیمانپور، محمد جواد (۱۳۸۴). رابطه امنیت اجتماعی با ناامن سازی محیط جرم برای پیشگیری از جرائم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳ و ۲، صص ۱۴۰-۱۲۳.
- شایگان، محمدرسول و محمدامین ثابت سروسنایی (۱۳۸۸). راهکارهای مقابله با جرم کلاهبرداری رایانه‌ای در حقوق کیفی ایران، فصلنامه کارآگاه، دوره دوم، سال سوم، شماره نهم، صص ۳۲-۵۳.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۲). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، تهران: قومس.
- صباغ پور، علی اصغر (۱۳۸۵). توسعه فرهنگی و ساختار فرهنگی ایران، فصلنامه راهبرد، شماره چهل و دوم، صص ۴۱-۶۵.
- صفایی، صفی‌الله و ابراهیم واشقانی فراهانی (۱۳۸۹). نظم و انضباط اجتماعی از منظر آموزه‌های اسلامی، فصلنامه پلیس پایتخت، سال دوم، شماره هشتم، صص ۱۲۹-۱۴۶.
- صوفی زمر، محسن؛ علی جهانگیرپور و مهسا شیمن (۱۳۹۱). اهمیت و نقش پلیس در پیشگیری اجتماعی در پرتو موازین بین‌المللی حقوق بشر، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، سال دوم، شماره دوازدهم، صص ۹۴-۱۲۸.
- عبدی، نرگس؛ شرافتی پور، جعفر (۱۳۸۵ و ۱۳۸۶). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور تاملی بر نقش پلیس در پیشگیری اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۸ و ۹، صص ۱۷۹-۱۹۶.

- علی‌نژاد، منوچهر (۱۳۸۸). رویکردهای نظری به مسأله پیشگیری از جرم (با تأکید بر رویکرد جامعه‌شناختی و مدیریت استراتژیک)، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره یازدهم، صص ۱۷۱-۱۹۲.
- غلامی، حسین (۱۳۸۸). شرم و پیشگیری از تکرار جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۰، صص ۸۵-۵۵.
- کریمی خوزانی، علی (۱۳۸۸). چگونگی شفاف سازی طرح‌ها و خدمات پلیس برای جامعه، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، شماره ۲۳، صص ۲۰-۷.
- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۶). اصول و مبانی نظریه فرصت جرم، فصلنامه حقوق، شماره ۳، ۳۲۲-۲۹۳.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۷). پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- معاونت اجتماعی ناجا (۱۳۸۳). سیمای تحولی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران گام‌هایی در تحقق امنیت پایدار، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- میرخلیلی، محمود (۱۳۸۸). نقش تقویت حفاظتی آماج‌ها در پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۰، صص ۵۴-۲۷.
- میرمحمدصادقی، محمدحسین (۱۳۸۲). پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش شماره ۲، صص ۳۱-۱۴.
- نوروزی، بهرام و محمدبارانی و سیدمحمدحسین سرکشیکیان (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم از نظریه تا عمل با تأکید بر نقش پلیس، تهران: ناجی نشر.
- هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۸). تبیین راهبردهای نوین جامعه‌محوری پلیس بر اساس نظریه جامعه‌شناسی احساس، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۶۳-۱۸۲.
- یونسکو (۱۳۷۶). فرهنگ و توسعه رهیافت مردم‌شناختی، ترجمه نعمت‌اله فاضلی و محمد فاضلی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.